

توهّمات قبلی بالاخره هنوز در حین سلوک نحوه‌ای از حضور را از خود نشان می‌دهند

شماره پرسش: ۲۰۷۷۶

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۶/۹/۲ ۰۱:۳۵:۲۲

متن پرسش

سلام علیکم: استاد بنده ۴ سال گذشته به یکباره مسیر زندگی ام تغییر پیدا کرد به لطف خداوند و کاملا دگرگون شدم در واقع تمام مطالبی که الان در جلد دوم کتاب مقالات می‌خوانم را خداوند به من عطا کرد (آن زمان نمی‌فهمیدم که آن حالات تفسیرش چیست) ولی قدر آن نفعه‌ی الهی را ندانستم و آنقدر سقوط کردم تا به تدریج رسیدم به سهل انگاری در نماز یومیه. استاد بعد از سیر مطالعاتی من الان شرح شما بر جلد دوم مقالات را هم تمام کردم و قلبا تمام قسمت یقظه را قبلا تجربه کردم و تصدیق می‌کنم قلبا، ولی الان تمام آن حالات را از دست داده‌ام. ۱. «بزرگی می‌گفت اگر قدر نفعات الهی را ندانید و از دست بدهید دیگر تا آخر عمرتان آن نفعه بر نمی‌گردد و کسی که از راه سلوک برگردد چوب بدی خواهد خورد.» آیا مصداق این مطلب بنده هستم؟ ۲. به نظر شما آیا خداوند به من مجددا نظر لطفی خواهد کرد یا اینکه از درگاه او مطرود شده‌ام؟ ۳. اگر امیدی هست چه کنم تا دوباره خداوند مرا قابل بداند و نفعه‌ای بفرستد و قلبم را احیا کند؟ ۴. در حال حاضر انگار اصلا قلبی ندارم و فقط کلی اطلاعات معرفتی و فلسفی و عرفان نظری و فقهی را جمع کرده‌ام که بارم را سنگین تر کرده، کلافه شده‌ام، اکنون وظیفه‌ام چیست؟، راه را گم کرده‌ام؟ التماس دعا

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- نه ۲- آری! باید پایداری کرد ۳- عنایت داشته باشید که توهّمات قبلی بالاخره هنوز نحوه‌ای از حضور را از خود نشان می‌دهند و با پایداری نسبت به وظایف دینی، آرام‌آرام آن اوهام از تحرک خارج می‌شود ۴- در همین مسیر اگر با حوصله جلو بروید متوجه می‌شوید که: «ای برادر، عقل یکدم با خود آر / دم به دم در تو خزان است و بهار». موفق باشید